

Review Article

**An Analytical Examination of the Aspects of the World's
Dependence on Imam Mahdi with an Emphasis on
the Thought of Ayatollah Safi Golpayegani**

Saleh Hassanzadeh¹

Mostafa Rezaei²

Received: 14/05/2023

Accepted: 06/07/2023



Abstract

In a variety of theological, philosophical, and exegetical sciences, the necessity of the presence of an infallible Imam in every age has always been considered. However, it has always been about what dimensions does this necessity and dependence include? In other words, in what areas do the matter world and heavenly world, need the presence of the Imam of the age? In the meantime, is it possible to believe that one can find a remote area, where the world is not dependent on the Imam? Today, a significant part of existing knowledge about Imam Asr (Mahdi) among the general public and even the Islamic seminary and university elites is the product of hearsay and repeated words that are far from the knowledge system outlined in the verses and traditions. This necessity caused this work to analyze the dimensions of this dependence, emphasizing the thought of Ayatollah Safi Golpayegani, using a descriptive-analytical method. One of the most important findings and innovations of this work

1. Full Professor of Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran. hasanzadeh@atu.ac.ir.

2. Fourth level student (PhD student), Islamic Seminary of Qom, Qom, Iran (corresponding author).
Eshragh.reza1394@gmail.com.

* Hasanzadeh, S., & Rezaei, M. (1401 AP). An Analytical Examination of the Aspects of the World's Dependence on Imam Mahdi with an Emphasis on the Thought of Ayatollah Safi Golpayegani. *Journal of Mahdavi Society*, 3(6), pp. 95-113. DOI: 10.22081/JM.2023.66460.1070.

is the description of the dimensions of the world's dependence on the Imam of the Age in all material, heavenly, individual, social, novel, and survival affairs. Accordingly, in no age, the earth will not be out of God's Hujjah (Imam or an Infallible), and this dependence is not rooted in credit, but rather it is caused by its true relationship with God's guardian.

Keywords

Imam Asr, Imam's benevolence, Imam's reason, world's dependence, discourse of Ayatollah Safi Golpayegani.

مقاله علمی - ترویجی

بررسی تحلیلی ابعاد وابستگی عالم به امام عصر علیه السلام با تأکید بر اندیشه آیت‌الله صافی گلپایگانی علیه السلام

مصطفی رضایی^۲

صالح حسن‌زاده^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۴

چکیده

در علوم مختلف کلامی، فلسفی و تفسیری، همواره به بحث لزوم وجود امام معصوم در هر دوره زمانی اشاره شده است؛ اما همواره سر سخن بدین سو بوده که این لزوم و وابستگی شامل چه ابعادی می‌شود؟ به عبارتی دیگر عالم اعم از ماده و ملکوت، در چه ساحت‌هایی به وجود امام عصر علیه السلام نیازمند است؟ آیا در این بین می‌توان قائل به منطقه فراخی شد، بدین معنی که نقطه‌ای را یافت که عالم به امام وابسته نباشد؟ امروزه بخش قابل توجهی از شناخت‌های موجود نسبت به امام عصر علیه السلام در میان عموم مردم و حتی نخبگان حوزوی و دانشگاهی، محصول شنیده‌ها و واژگان پرتکراری است که از منظومه معرفتی ترسیم شده در آیات و روایات فاصله زیادی دارد. این ضرورت سبب شد تا در این اثر به بررسی تحلیلی ابعاد این وابستگی با تأکید بر اندیشه آیت‌الله صافی گلپایگانی علیه السلام با روشی توصیفی-تحلیلی روی آورده شود. از مهم‌ترین یافته‌ها و نوآوری‌های این اثر، تشریح ابعاد وابستگی عالم به امام عصر علیه السلام در همه شئون مادی، ملکوتی، فردی و اجتماعی، حدوثی و بقایی است؛ به طوری که مطابق با آیات و روایات شریفه، عالم در هیچ بُعدی از زوایای وجودی خود قادر نیست به حیات خود بدون وجود امام عصر علیه السلام ادامه دهد؛ بدین ترتیب در هیچ دوره زمانی زمین از حجت خداوند خالی نخواهد بود و این وابستگی ریشه در اعتبار نداشته، بلکه ناشی از رابطه حقیقی آن با ولی خداوند است.

کلیدواژه‌ها

امام عصر علیه السلام، فیاضیت امام، سببیت امام، وابستگی عالم، گفتمان آیت‌الله صافی گلپایگانی علیه السلام.

hasanzade@atu.ac.ir

۱. استاد تمام دانشگاه علامه طباطبائی علیه السلام، تهران، ایران.

eshragh.reza1394@gmail.com

۲. دانش‌آموخته سطح چهار حوزه علمیه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول).

* حسن‌زاده، صالح؛ رضایی، مصطفی. (۱۴۰۱). بررسی تحلیلی ابعاد وابستگی عالم به امام عصر علیه السلام با تأکید بر اندیشه آیت‌الله صافی گلپایگانی علیه السلام. دوفصلنامه علمی-ترویجی جامعه مهدوی، ۳(۶)، صص ۹۵-۱۱۳.

DOI: 10.22081/JM.2023.66460.1070



مقدمه

در هر مجموعه دارای عناصر و اعضا، نیاز به وجود نقطه‌ای مرکزی است که همه شئون آن مجموعه ذیل تدابیر و وجود او تعریف خواهد شد. همان‌طور که اجزای بدن انسان به حیات قلب تکیه دارند، عالم نیز در ابعاد گوناگون حیات خود نیاز به یک نقطه مرکزی محوری دارد که روح و باطنش بدان وابسته است و این وابستگی، بر شئونات مختلف نظام حاکم بر عالم سایه افکنده است. تعابیر زیادی در روایات به کار گرفته شده که حاکی از نقش محوری امام عصر علیه السلام در عالم است؛ به طوری که همه ابعاد این عالم به نوعی به وجود ایشان گره خورده و نبود ایشان سبب اضطراب و نابودی نظام‌های مختلف خلقت خواهد شد؛ «لَوْ أَنَّ الْإِمَامَ رُفِعَ مِنَ الْأَرْضِ سَاعَةً لَسَاحَتْ بِأَهْلِهَا وَمَاجَتْ كَمَا يَمْوجُ الْبَحْرُ بِأَهْلِهِ (نعمانی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۹)؛ اگر زمین ساعتی خالی از امام بماند، اهل خود را فرو خواهد برد و چون دریایی که به موجش اهلس را مضطرب و بی‌قرار سازد در موج و اضطراب افتد». از جمله آثاری که در این خصوص نگاشته شده عبارت‌اند از: «حقیقت امامت و فلسفه حضور ابدی امام معصوم از منظر قرآن با تأکید بر آرای علامه طباطبایی» (صدقی الانق، ۱۳۹۷)؛ «نقش غایبی امام در نظام آفرینش» (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۸)، «جایگاه امام معصوم در نسبت با کل هستی» (گرامی، ۱۳۷۶) و «برکات وجودی انسان کامل در نظام هستی» (جمعی از نویسندگان، ۱۴۰۰). وجه تمایز این تحقیق نسبت به موارد برشمرده شده در این است که: ۱. در این اثر سعی شده به مجموعه وابستگی‌های عوالم به امام عصر علیه السلام بررسی شود؛ در حالی که در آثار گذشته بُعدی از ابعاد آن مورد نظر قرار گرفته شده است؛ ۲. این اثر ناظر به سیر تاریخی وابستگی تام عالم به امام از ابتدا تا انتهای تاریخ است. سیر تاریخی شامل مبدأ، مسیر و غایت است. در این تحقیق به وابستگی عالم در حدوث، بقاء و استمرار و جانشینی اجتماعی که غایت هستی است اشاره شده؛ ۳. نگارش این اثر با تأکید بر گفتمان آیت‌الله صافی گلپایگانی علیه السلام صورت پذیرفته است. در راستای تبیین ابعاد وابستگی تام عالم به امام عصر علیه السلام در ساحت‌های مادی و ملکوتی، نگارنده بدین سؤال پاسخ خواهد داد که وابستگی عالم به امام عصر علیه السلام با تأکید بر گفتمان آیت‌الله صافی گلپایگانی علیه السلام دارای چه ابعادی است؟

۱. مفهوم‌شناسی تحقیق

از جمله مفاهیم این تحقیق عبارت‌اند از: ۱. وابستگی تام؛ ۲. عالم.

۱. عالم در رابطه با امام عصر علیه السلام دارای وابستگی تام است؛ به نوعی که در تمامی ساحت‌های وجودی خود نیازمند به آن حضرت بوده که نشان می‌دهد برخلاف آنچه برخی تصور کرده‌اند، مراد از وابستگی عالم به ایشان تنها در ساحت بقای مادی زمین نیست. اهل لغت در خصوص معنای وابستگی تام بیان کرده‌اند: «احتیاج وجودی به وجودی دیگر به نوعی که قوام او بدان باشد» (ابن منظور، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۳۷۶). بر این اساس مراد از وابستگی تام، قائم‌بودن عالم در همه شئون خود به امام عصر علیه السلام است.

۲. مراد از عالم در این تحقیق، کل عوالم است، نه فقط دنیا و شامل عالم ماده و معنا خواهد بود (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۱۹۴)؛ چراکه حوزه امامت امام عصر علیه السلام محصور به عالم ماده نمی‌شود و همان‌طور که قبل از خلقت دنیا در مقام تعلیم ملائکه بوده‌اند، تا انتهای تاریخ نیز امامت ایشان و لزوم بهره‌گیری از انوارشان در همه عوالم جاری است.

۲. ابعاد وابستگی عالم به امام عصر علیه السلام

همان‌طور که ذکر شد به مواردی از این ابعاد اشاره می‌شود:

۱-۲. وابستگی در حدوث و بقاء

یکی از آثار وجودی امام (چه امام ظاهر و چه امام غایب) این است که به برکت وجود او، عالم هستی برقرار بوده و به حیات خویش ادامه می‌دهد و چنانچه زمانی بیاید که امام نباشد، نظام دنیا دگرگون شده و پایان حیات بشری و عالم ماده فرا می‌رسد. وابستگی عالم به وجود امام، هم در حدوث است و هم در بقاء؛ به سبب وجود ایشان عوالم خلق شدند: «یا عَلِيُّ لَوْ لَا نَحْنُ مَا خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ وَ لَا حَوَاءَ وَ لَا الْجَنَّةَ وَ لَا النَّارَ وَ لَا السَّمَاءَ وَ لَا الْأَرْضَ» (مجلسی، ۱۳۸۹، ج ۲۳، ص ۳۳۵)؛ یا علی! اگر ما نبودیم خداوند آدم و حوا و بهشت و جهنم و آسمان و زمین را نمی‌آفرید.

این حقیقت ثابت است که میان علت و معلول، سنخیت لازم است (فیض کاشانی، ۱۳۷۵،

ص ۸۷)؛ در واقع معلول با علتش مناسب است، نه بین آن دو تخالف تام است و نه تشابه تام (حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۱، ج ۴، ص ۲۸) و براساس سخن خداوند: «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ؛ بگو هر کس بر حسب ذات و طبیعت خود عملی انجام خواهد داد» (اسراء، ۸۵)؛ مخلوقات مادی و حتی مجردات، به علت ضعف وجودی نمی‌توانند به طور مستقیم از خداوند که در نهایت شدت وجود است پدید آیند (سبزواری، ۱۳۸۳، ص ۴۵۶). لذا لازم است معلول اول از لحاظ شدت وجودی به گونه‌ای باشد که بتواند از خدا صادر شود؛ بنابراین معلول اول دو حیث دارد: یکی آنکه دارای چنان شدت وجودی است که می‌تواند معلول مستقیم خدا باشد و دوم آن که می‌تواند جهت کثرت داشته باشد و به واسطه او مخلوقات دیگر پدید آمده و از فیض وجود بهره برند (ملاصدرا، ۱۳۶۰، ص ۱۴۰). پس در واقع فیض و خلقت اصلی، واسطه و صادر اول است و فیض خدا از طریق او و در امتداد وجود او به کائنات می‌رسد.

بررسی سیاق برخی از روایات در خصوص وابسته‌بودن عالم به امام عصر عجل الله فرجه، ظهور در وابستگی دنیا به آن حضرت دارد؛ همانند این فراز «إِنَّهُ لَزُرُّ الْأَرْضِ الَّذِي تَسْكُنُ إِلَيْهِ وَتُسْكُنُ إِلَيْهَا، وَلَوْ قُفِدَ لَأَتَّكِرْتُمُ الْأَرْضَ وَأَتَّكِرْتُمُ النَّاسَ» (مفید، ۱۳۹۰، ص ۱۳۹). آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته الله علیه در خصوص معنای این روایت بیان کرده‌اند که «ابن‌اثیر در النهایة و ابن‌منظور در لسان‌العرب، «زَرَّ» را به استخوانی که در زیر قلب است و قوام قلب را به آن گفته‌اند معنی کرده‌اند (ابن‌اثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۳۰۰؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۳۲۲). بنابراین ترجمه این جمله این است: علی قوام زمین است که زمین به سوی او آرام می‌گیرد و به سوی آن سکون و آرامش حاصل می‌شود و اگر او (یا جانشین او) نباشد، هر آینه زمین و مردم را منکر و دگرگون و به وضع دیگر و ناشناخته خواهید دید» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، ص ۷). اما بررسی روایاتی چون احادیث لولاک نشان می‌دهد بقاء و استمرار وجود مجموعه عوالم و امدار وجود امام معصوم است؛ «يَا مُحَمَّدُ وَعِزَّتِي وَ جَلَالِي لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ آدَمَ وَ لَوْلَا عَلِيٌّ مَا خَلَقْتُ الْجَنَّةَ» (مجلسی، ۱۳۸۹، ج ۱۸، ص ۴۰۰)؛ ای محمد! به عزت و جلالم سوگند اگر تو نبودی آدم را نمی‌آفریدم و اگر علی نبود بهشت را خلق نمی‌کردم».

بنابراین نه تنها با فقدان امام عصر علیه السلام وساطت در نزول فیض و نورانیت بسته خواهد شد، بلکه بشر در ابعاد مادی خود نیز قادر به بقاء نبود؛ «ادله وابستگی موجود در عقل و نقل کل عالم به امام عصر علیه السلام را اثبات می‌کند» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، ص ۸) «ارتباط و وابستگی عناصر هستی به امام در جهت جسم و روح و ظاهر و باطن وجودشان می‌باشد» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، ص ۳۶). وابستگی عالم در طول تاریخ به امام معصوم، از ابتدا تا انتها، هم عالم ماده و هم دیگر عوالم، حاکی از مقام سببیت تامه ایشان دارد؛ به میزانی که عالم ممکنات بدون وجود ایشان قادر به استمرار وجود خود نخواهد بود.

۲-۲. وابستگی در نزول فیوضات عام

تنزل فیض از عالم ملکوت به عالم ماده، نیازمند ایجاد ارتباط بین دو عالم است و تنها وجودی می‌تواند واسطه چنین انتقالی باشد که دارای بُعد جسمی بوده و در باب روحی در نهایت کمال مطلق به سر ببرد که قادر باشد فیوضات همه عوالم غیبی را به اهل زمین منتقل سازد. این وابستگی در عرصه مادی نیز حکم فرماست؛ چرا که فیوضات مادی نیز از عالم امر به عالم دنیا تنزل پیدا می‌کند. بر همین اساس است که برخی قائل به لزوم وجود ائمه اطهار علیهم السلام جهت بقاء فیوضات مادی به عالم دنیا هستند. همان‌طور که بدون وجود و سببیت ایشان، نه بارانی نازل می‌گشت و نه خداوند برکات و محصولات زمین را بر اهلیش نمایان می‌ساخت؛ جوینی شافعی در فرائد السمطين حدیثی را آورده است که سند آن منتهی می‌شود به حضرت زین العابدین علیه السلام که در ضمن آن حدیث فرمود: «وَنَحْنُ الَّذِينَ بِنَا يُمَسِّكُ اللَّهُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَبِنَا يُمَسِّكُ الْأَرْضَ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا وَبِنَا يُنَزِّلُ الْعَيْثَ وَيَنْشُرُ الرَّحْمَةَ وَيُخْرِجُ بَرَكَاتِ الْأَرْضِ وَلَوْلَا مَا فِي الْأَرْضِ مِنَّا لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا؛ ما کسانی هستیم که به واسطه ما نگاه می‌دارد خدا آسمان را از اینکه بر زمین فرو ریزد و بیفتد، مگر به اذن او و به واسطه ما زمین را نگه می‌دارد از اینکه اهلیش را تکان دهد و مضطرب سازد و به واسطه ما (یا برای ما و به طفیل وجود ما) باران را نازل می‌کند و رحمت خود را می‌گستراند و برکت‌های زمین را بیرون می‌آورد و اگر در روی زمین کسی از ما نبود، زمین اهل خود را فرو می‌برد» (جوینی خراسانی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۴۵).

از سویی دیگر واسطه فیض بودن امام را از منظر دیگر و با توجه به امان بودن حجت خدا می توان بررسی و تبیین کرد. مرحوم مجلسی علاوه بر روایاتی که در مباحث مختلف بحار الانوار بیان کرده است، بابتی را به صورت مستقل به نام «إِنَّهُمْ أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ مِنَ الْعَذَابِ» (مجلسی، ۱۳۸۹، ج ۲۷، ص ۳۰۸) گشوده است و روایات متعددی را از تفسیر علی بن ابراهیم، امالی طوسی، عیون اخبار الرضا و کمال الدین و تمام النعمة شیخ صدوق نقل می کند. بر این اساس حوادث و رخدادهای عالم ماده همگی به واسطه وجود امام معصوم تحقق پیدا می کند، خواه از سنخ رویدن گیاه یا ثمردهی درخت باشد یا پیدایش شب و روز که حاکی از نقش فاعلی امام عصر علیه السلام در عالم ممکنات است.

حیات زمین و اهل آن به وجود امام معصوم بستگی دارد؛ چراکه ایشان همان طور که ذکر شد علت بقاء و غایی برای هستی است و وجود معلول بدون وجود علت محال خواهد بود؛ «ممکنات آن استعداد را ندارند که بدون واسطه تلقی فیض نمایند و قصور خودشان مانع از کسب فیض به طور مستقیم است» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، ص ۴۱). لذا امام عصر علیه السلام که در رأس هرم هستی قرار دارد، دارای والاترین مرتبه وجود بوده و واسطه فیض الهی به تمام مخلوقات عالم اعم از جمادات، نباتات و حیوانات است؛ همان طور که در زیارت جامعه کبیره استفاده متعدد از تعابیر «بکم» حاکی از این مقام در ولی تام خداوند است.

در حقیقت تمام خیرات و برکات وجود در نظام هستی، اعم از برکات مادی و معنوی، به وساطت آن ذوات مقدس افاضه می شود. خداوند آفرینش نظام را با آنان آغاز کرد و با آنان ختم می کند؛ به وسیله آنها باران نازل می کند و به وسیله آنها آسمان را نگاه می دارد؛ «بِكُمْ فَتَحَّ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَخْتِمُ وَ بِكُمْ يُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَ بِكُمْ يُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَي الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ» (مجلسی، ۱۳۸۹، ج ۱۰۲، ص ۱۴۳) و اگر خیری تصور شود، آنها اصل، فرع، معدن، جایگاه و منتهای آن هستند؛ «إِنْ ذُكِرَ الْخَيْرُ كُنْتُمْ أَوْلَاهُ وَ أَضَلَّهُ وَ فِرْعَوْنَهُ وَ مَعْدِنَةَ وَ مَأْوَاهُ وَ مُنْتَهَاهَا» (مجلسی، ۱۳۸۹، ج ۱۰۲، ص ۱۴۳). ولایت خداوند با ولایت امام در هستی جریان پیدا خواهد کرد. بر همین اساس برای قرار گرفتن در ولایت حق

تعالی و بهره‌مندی از آثار نورانیت و هدایتی آن لازم است انسان در بستر ولایت امام حرکت کند.

۲-۳. وابستگی در نزول فیوضات خاص

امام عصر علیه السلام در نقطه مرکزی هستی، علاوه بر سببیت عالم ماده، علت تامه نزول فیوضات خاص از ملکوت هستی است. در روایتی تفسیری ذیل آیه شریفه «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ» (بقره، ۳)؛ «متقین کسانی هستند که به غیب ایمان دارند»، به بیانی لطیف مراد از غیب وجود امام عصر علیه السلام برشمرده شده است؛ «أَمَّا الْغَيْبُ فَهُوَ الْحُجَّةُ الْغَائِبُ» (مجلسی، ۱۳۸۹، ج ۵۱، ص ۵۲)؛ غیب، حجت غایب است. امام عصر علیه السلام جامع تمام حقیقت غیب و ملکوت هستی است؛ به همین سبب فیوضات از عالم غیب تنها از مجرای ایشان به عوالم دیگر تنزل پیدا خواهد کرد؛ «فیوض الهی بدون رسیدن به مخلوق اکمل و اشرف امکان وصول آن به مخلوق مادون نیست» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، ص ۲۰).

در این میان افراد به تناسب قابلیت و استعداد ذاتی خود از وجود امام عصر علیه السلام و مراتب غیب هستی بهره‌مند خواهند شد. اشراقات و افاضات عوالم غیبی از قلب حجت تام خداوند بر دیگر قلوب نازل خواهد شد و افراد به میزان قرار گرفتن در ولایت امام از فیوضات خاص بهره‌مند خواهند شد؛ به همین سبب است که مطابق با روایات برای امام معصوم جایگاهی است که هر انسان و ملائکه‌ای از ورود بدان محروم است و کسی یارای نیل بدان را نخواهد داشت؛ همان‌طور که رسول خدا صلی الله علیه و آله در این خصوص بیان داشتند: «لِي مَعَ اللَّهِ وَقْتُ لَا يَسْعُنِي فِيهِ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ؛ برای من در خلوتگاه با خدا، وقت خاصی است که در آن هنگام نه فرشته مقرب و نه پیامبر مرسل گنجایش صحبت و انس و برخورد مرا با خدا ندارند» (مجلسی، ۱۳۸۹، ج ۷۹، ص ۲۴۳).

بهره‌گیری از افاضات عالم غیب نیازمند وجود واسطه‌ای است که فیض را به ظرف محدود بشری تنزل دهد که بشریت با توجه به استعداد و قابلیت خاکی خود بتواند از آن فیض ملکوتی استفاده کند. لذا به سبب عدم استعداد پذیرنده در پذیرش مستقیم فیض، ضروری است مقامات غیبی از مجرای امام عصر علیه السلام به انسان عرضه شود؛ «چنانکه همه

مردم استعداد تلقی وحی را ندارند و باید به واسطه نبی و پیغمبر باشد، امکان دارد که تمام فیوض یا بعضی فیوض دیگر نیز به همین نحو با وسایط مقتضی و مناسب به نیازمندان و مستعدان برسد. بدیهی است چنین واسطه‌ای غیر از امام نخواهد بود و مسئله، یک مسئله تکوینی خواهد شد که تخلف از آن نامعقول است» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، ص ۴۱). از این روی امام عصر علیه السلام در جایگاهی قرار دارد که می‌تواند بی‌واسطه فیوضات و کمالات را از خداوند متعال دریافت کند. این دریافت منحصر در طریق ایشان است؛ به همین سبب اگر ارتباط بشریت با امام معصوم منقطع شود، راه تنزل افاضات غیبی نیز برای انسان‌ها بسته خواهد شد.

۲-۴. وابستگی در سیر توحیدی

قرآن کریم دستیابی به هر خصیصه اخلاقی و سیر توحیدی را در گرو فضل و رحمت خداوند متعال می‌داند که نشان می‌دهد مسیر معنویت و توحید با دستگیری لحظه‌به‌لحظه و ربوبیت حق تعالی ممکن خواهد بود؛ «وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْنَا لَكُنَّا أَمْمَازًا مَّوَدَّعًا وَمَا رَزَقْنَاهُمْ مِنْهُ مِنْ شَيْءٍ» و اگر فضل و رحمت خدا شامل شما نبود، احدی از شما (از گناه و زشتی) پاک و پاکیزه نشد، لیکن خدا هر کس را می‌خواهد منزّه و پاک می‌گرداند» (نور، ۲۱). در برخی روایات نقل شده است که امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه فوق «وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْنَا لَكُنَّا أَمْمَازًا مَّوَدَّعًا» فرمودند: که فضل خدا، محمد و رحمت خدا علی است (قمی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۱۳).

امام معصوم علیه السلام برای دستگیری بشریت به عالم ماده قدم گذاشت تا با قبول بلاهایی که از توانایی بشر خاکی تحلیل و تفکر پیرامون آن خارج است، انسان‌ها را با شفاعت باطنی خود قدم به قدم پیش ببرد. «واجب است در میان انسان‌ها افرادی باشند که همواره دارای اخلاص در توحید بوده و امر توحید را زنده نگه دارند، والا گمراهی و کوری سراسر زمین را احاطه می‌کند و واسطه فیض بین زمین و آسمان قطع و غایت خلقت باطل گشته، زمین اهل خود را فرو می‌برد» (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱۱، ص ۱۷۳).

در این مسیر اگر طاعت انسان در چارچوب اطاعت از امام باشد، محصول آن توحید

و اطاعت خداوند خواهد بود و نفس به توهم مطیع بودن نخواهد افتاد. «عَنْ بَشِيرِ الْعَطَّارِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ نَحْنُ قَوْمٌ فَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَنَا وَ أَنْتُمْ تَأْتُمُونَ بِمَنْ لَا يُعَدُّرُ النَّاسُ بِجَهَالَتِهِ (مجلسی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۲۶۳)؛ بشیر عطار گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می‌فرمود: «ما گروهی هستیم که خدا اطاعت ما را واجب کرده و شما پیروی می‌کنید از کسی که مردم به نادانی او معذور نیستند». بر این اساس اگر در آیات شریفه به اطاعت از رسول خداوند صلی الله علیه و آله و سلم دعوت شده، مراد دوئیت این طاعت با طاعت خداوند متعال نیست، بلکه این اطاعت حقیقتی واحد با اطاعت خداوند دارد و راه رسیدن بدان است؛ «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ؛ هر که رسول را اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده است» (نساء، ۸۰).

بر این اساس بین ولایت خداوند متعال و امام جدایی وجود ندارد که دعوت و طاعت امام در بعدی از ابعاد خارج از توحید باشد؛ لذا طاعت امام، عین طاعت خداوند متعال است و او حق تعالی اراده کرده از مجرای طاعت امام، فرمانبرداری‌اش در هستی جریان پیدا کند. «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضْلِ قَالَ سَأَلْتُهُ عَنْ أَفْضَلِ مَا يَتَقَرَّبُ بِهِ الْعِبَادُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قَالَ أَفْضَلُ مَا يَتَقَرَّبُ بِهِ الْعِبَادُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ طَاعَةُ اللَّهِ وَ طَاعَةُ رَسُولِهِ وَ طَاعَةُ أَوْلَى الْأَمْرِ (کلینی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۶۶)؛ ابن فضل گوید: از امام علیه السلام پرسیدم بهترین وسیله تقرب بندگان به خدای عزوجل چیست؟ فرمود بهترین وسیله تقرب بندگان به سوی خدای عزوجل اطاعت خدا و اطاعت رسول و اطاعت والیان امر است». «بنابراین کمال عالم و ماسوی‌الله به وجود امام منوط است و بدون وجود امام، عالم فاقد کمال لایق به خود بوده و ناقص خواهد شد» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، ص ۴۶).

امامت امام ناظر به عالم مادی نیست و همه عوالم را در بر می‌گیرد. امامت امام نسبت به جن، انس و همه مراتب ملکوتی هستی است؛ به همین سبب در ذیل آیه شریفه «وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ؛ من جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه مرا پرستش کنند» (ذاریات، ۵۶)، روایات تحقق عبادت تاریخی جن و انس را در پرتو عبادت امام بر شمرده‌اند. «عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام بِعِبَادَتِنَا عُبِدَ اللَّهُ وَ لَوْ لَا نَحْنُ مَا عُبِدَ اللَّهُ؛ از امام صادق علیه السلام روایت شده است: با عبادت ما خدا پرستش گردید و اگر ما نبودیم، خدا پرستیده نمی‌شد» (کلینی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۴۴).

هدایت‌گری امام عصر علیه السلام در بُعد باطنی خلقت، سبب شکل‌گیری حرکت انسان‌ها در مسیر تهذیب و کمال خواهد شد که جلوه باطنی آن، تصرف تکوینی در قلب‌های مستعد و رساندن آنان به منزل مقصود است. «نقش امام نقش سازنده‌ای است که بدون آن، سالکان راه کمال نمی‌توانند به درستی مسیر خود اطمینان داشته باشند و این معنای احادیث متواتری مانند احادیث سفینه است» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، ص ۴۵). امام عصر علیه السلام در مسیر سیر توحیدی هستی، از قلب‌ها لحظه‌به‌لحظه دستگیری خواهد کرد تا اگر قابلیت لازم و استعداد سیر توحیدی را دارا باشند، به مراتب اعلای گذر از دنیا و نفس مادی برسند. در این میان نقش امام تنها ارائه طریق و راهنمایی صرف نیست، بلکه به میزان همراهی انسان با او و خشوع و تسلیم قلبی در برابر ایشان، این سیر از جامعیت و عمق بیشتری برخوردار خواهد بود.

۲-۵. وابستگی در تحقق جانشینی فردی و اجتماعی

انسان کامل شرایط خلافت خداوند به نحو کلمه‌ای تامه از خداوند را داراست؛ چراکه جامع اسماء و صفات خداوند است و قرار است بر همین مبنا ظهور از این اسماء و صفات روی زمین باشد؛ در این راستا منظور از این خلافت، همان قائم‌مقامی و جانشینی است و این امر مستلزم آن است که خلیفه و جانشین، سنخیت با کسی داشته باشد که جانشینش می‌شود؛ «انسان به واسطه علم به اسمای الهی، جانشین خداوند است که در زمین زندگی می‌کند و محدوده خلافت او کل هستی و کائنات است. در واقع خلافت و حقیقت انسان بر اساس کمالی که کسب می‌کند مراتبی دارد و هرکس با توجه به درجه کمال و هدایتی که کسب کرده است، دارای درجه‌ای از خلافت خداوند است» (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۷۳).

انسان دارای ظرفیت بی‌حد و نهایت و خواهان رسیدن به نامحدود است. او می‌تواند با استفاده از این استعداد درونی مصداق خلیفه الله شود. اما خلافت خداوند متعال دارای مراتب گوناگونی است و کسی که خواهان دستیابی به این مقام است، باید به کلمه اعلی و اسم اعظم و خلیفه تام خداوند اقتدا کند. «اسماء همان حقایق غیبی عالم است. اگر

کسی خلیفه خدا شد، خدا موجودی است «بکلّ شیء محیط»؛ خلیفه او هم باید یک موجودی باشد به اذن او آنچه در جهان آفرینش هست، احاطه داشته باشد و گرنه خلیفه نسبی خواهد بود، نه خلیفه مطلق. اگر چیزی خلیفه الله شد، باید مظهر خدای سبحان باشد در همه اسمای فعلیه حق هر جا سخن از فعل حق است... چون خاصیت خلافت مطلقه این است» (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۲۱۸).

بنابراین در مقام خلافت فردی، انسان‌ها نیاز به پیروی و همراهی با خلیفه تام خداوند دارند که آنها را در مسیر جانشینی فردی خداوند راهبری و دستگیری کند؛ «بر هر موجودی به حسب کمال مراتب وجودی خود و بر هر انسانی به حسب کمال مراتب انسانیت و تخلّق به اخلاق الهی اسم او و کلمه او صادق می‌باشد. هر چه کمال فرد و نوع بیشتر باشد، صدق اسم و کلمه بر او کامل‌تر خواهد شد؛ چون امام در بین تمام آیات و کلمات الهی آیت کبری و تامه و کلمه علیا و اسم اعظم تکوینی است» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، ص ۴۹). لذا در تفسیر آیه شریفه «وَلِلّٰهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنٰی فَادْعُوهُ بِهَا؛ برای خدا نام‌های نیکویی است به وسیله آنها خدا را بخوانید» (اعراف، ۱۸۰) از امام صادق علیه السلام وارد شده است: «نَحْنُ وَاللّٰهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنٰی الَّذِي لَا يُقْبَلُ مِنْ أَحَدٍ طَاعَةٌ إِلَّا بِمَعْرِفَتِنَا قَالَ فَادْعُوهُ بِهَا؛ به خدا سوگند! اسمای حسنی مایم؛ از احدی طاعتی پذیرفته نمی‌شود مگر به معرفت ما که خدا فرمود: پس بخوانید او را به آنها» (فیض کاشانی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۲۵۵).

حقیقت این اسماء باید از هر گونه غیر توحید خالص باشند که بتوانند مخلوقین را به حق تعالی برسانند. در روایات متعددی این حقیقت به وجود امام معصوم علیه السلام تطبیق داده شده است: «نَحْنُ وَاللّٰهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنٰی الَّتِي لَا يُقْبَلُ اللّٰهُ مِنَ الْعِبَادِ عَمَلًا إِلَّا بِمَعْرِفَتِنَا؛ ما آن اسمای حسنای الهی هستیم که به واسطه ما خدا باید عبادت بشود والا عبادت قبول نمی‌شود» (کلینی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۴۳). حقیقت اسم اعظم خداوند، وجود معصوم علیه السلام و انسان کاملی است که تمامی مراتب توحیدی را در وجود خود جای داده است و جدایی بین او و حق تعالی وجود ندارد و شناخت او انسان را به سمت شرک و کفر منتهی نخواهد ساخت، بلکه او تنها طریق شناخت توحید است. «بدان که انسان کامل مثال اعلاّی خدا و آیت کبری او و کتاب مستبین حق و نبأ عظیم بوده و بر صورت حق آفریده شده

است و با دو دست قدرت او وجود یافته و خلیفه خداوند بر مخلوقاتش و کلید باب معرفت حق می‌باشد و هر که او را بشناسد خدا را شناخته است. او با هر صفتی از صفات و با هر تجلی از تجلیاتش آیتی از آیات خداوند است و از زمره نمونه‌های بلند مرتبه و گران‌قدر برای شناخت خالق است» (خمینی، ۱۳۸۹، ص ۲۱).

این موضوع از روایت‌های معتبر به دست می‌آید؛ از جمله روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام که در ضمن یکی از نامه‌های تاریخی حضرت در نهج البلاغه به معاویه مرقوم فرمود: «فَإِنَّا صَنَائِعُ رَبِّنَا وَالنَّاسُ بَعْدُ صَنَائِعُ لَنَا (نهج البلاغه، نامه ۲۸)؛ ما تربیت یافتگان پروردگارمان هستیم و مردم پس از آن تربیت یافته ما هستند» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، ص ۲۶) در این مسیر با تحقق خلافت فردی خداوند در روی زمین، عبادت خداوند از مجرای وجود امام معصوم جریان پیدا خواهد کرد؛ چراکه هستی برای تحقق غایت عبودیت خداوند خلق شده است: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِي؛ ما جن و انس را خلق نکردیم مگر برای عبادت» (ذاریات، ۵۶). این عبادت و تحقق جانشینی فردی تنها از مصدر وجودی امام معصوم در عالم جریان پیدا خواهد کرد؛ همان‌طور که در روایاتی ذیل این آیه شریفه بیان شده است: «بِعِبَادَتِنَا عُبِدَ اللَّهُ وَ لَوْ لَا نُحْرُ مَا عُبِدَ اللَّهُ؛ با عبادت ما خدا پرستش گردید و اگر ما نبودیم، خدا پرستیده نمی‌شد» (کلینی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۴۴).

بنابراین همان‌طور که در گفتمان آیت‌الله صافی گلپایگانی علیه السلام نیز تأکید شده جانشینی فردی خداوند با وجود امام عصر علیه السلام میسر خواهد بود، والا بشریت با وجود انواع شرک آشکار و پنهان و انحرافات فکری و انگیزشی، بدون وجود امام توانایی دستیابی به خلافت خداوند متعال در روی زمین را نخواهد داشت. «وقتی خلقت جن و انس برای عبادت باشد، عالی‌ترین مرتبه عبادت و اطاعت که نمایش و تبلور کمال اعلای موجود ممکن است همان است که از امام صادر می‌شود» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، ص ۲۶). جانشینی فردی امانتی الهی است که خداوند این امانت را به فرد صالح از بین انسان‌ها می‌دهد. انسان در این راستا با تکیه بر ظرفیت‌ها و استعدادهای گسترده الهی خود، با همراهی با امام عصر علیه السلام به دنبال تحقق بخشیدن و به فعلیت رساندن این خصیصه الهی درون خود است.

در کنار جانشینی فردی، خداوند جانشینی اجتماعی را برای سیر تاریخی بشریت اراده کرده است. انسان کامل، خلیفه خدا و مظهر صفات جمال و جلال اوست. جامعه آرمانی نیز که کامل‌ترین جامعه ممکن است، در بُعد اجتماعی از گونه‌ای از خلافت الهی برخوردار است. در این مسیر همان‌طور که وجود انسان کامل در عرصه فردی، شرط تحقق جانشینی فردی بود، تحقق جامعه آرمانی و مدینه فاضله ایمانی که در آن، اهداف جمعی و کمال اجتماعی دنبال می‌شود مشروط به حضور اوست. «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا؛ خدا به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین خود قرار دهد؛ همان‌گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین خود قرار داد و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند و بيمشان را به ایمنی مبدل گرداند تا مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند» (نور، ۵۵).

تحقق ایمان در طراز جانشینی اجتماعی به نوعی که جامعه بشری عاری از هر نوع شرک خفی باشد و گرایش او به وحدت و مرکزیت توحید باشد، تنها به وسیله امام عصر (عجل الله فرجه) ممکن خواهد بود؛ چرا که عبودیت اجتماعی و سیر جمعی بشریت در مسیر توحید نیز وابسته به امام عصر (عجل الله فرجه) است؛ بدین جهت که توحیدی و رای وجود او در جامعه محقق نخواهد شد. «مقصود از جانشینی خدایی انسان روی زمین در امور اجتماعی این است که جامعه انسانی قبل از هر گونه وابستگی و تعلق، وابسته و منسوب به یک مرکز است و آن مرکز، همان مرکزیت خلافتش یعنی خدای تعالی است که او را جانشین خود روی زمین ساخته است» (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ج ۹، ص ۳۷۶). در جانشینی اجتماعی، همه نظامات اجتماعی به تابعیت محض از ولایت امام عصر (عجل الله فرجه) در خواهد آمد. امام معصوم (عجل الله فرجه) اسم و وجه خداوند هم در شأن فردی و هم در شأن اجتماعی است و همان‌طور که جمیع مراتب جانشینی فردی در وجود او اجتماع یافته است، دستیابی جامعه بشری به جانشینی اجتماعی نیز در هیچ مرتبه‌ای بدون او ممکن نخواهد بود.

بنابراین تحقق مدینه فاضله که در بستر آن، جانشینی اجتماعی محقق می‌شود و آیات خداوند در هستی به نهایت ظهور و بروز خود خواهد رسید، وابسته به حضور بزرگ‌ترین و جامع‌ترین نشانه خداوند متعال (امام معصوم) است؛ چنان‌که از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است: «مَا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ آيَةٌ هِيَ أَكْبَرُ مِنِّي وَلَا لِلَّهِ مِنْ نَبِيٍّ أَكْبَرُ مِنِّي؛ برای خداوند عزوجل نشانه و خبری بزرگ‌تر از من نیست» (کلینی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۰۷). امام عصر علیه السلام واسطه تحقق خلافت خداوند، اسماء و صفات او در عالم است و شکل‌گیری آرمان‌شهر ظهور که غایت خلقت عالم از اول تاریخ تاکنون بوده تا همه سطوح هستی در ذیل عبودیت خداوند قرار گیرد و همه بشریت در سطح اجتماعی به توحید برسد، بدون طراز شخصیتی امام عصر علیه السلام ممکن نخواهد بود.

نتیجه‌گیری

بین بقاء و استمرار ممکنات و امام معصوم رابطه مستقیمی برقرار است؛ به طوری که عالم وجود بدون وجود امام قادر به ادامه بقای خود در هیچ شأنی از شئونش نخواهد بود. این وابستگی به حضور امام است؛ به همین سبب فقدان ظهور ایشان در عصر غیبت، خللی به این نسبت وارد نخواهد کرد. با وجود امام عصر علیه السلام، عالم در چارچوب غایت خود حرکت خواهد کرد؛ چراکه ولایت امام عین ولایت خداوند است، لذا فاصله و شکافی وجود نخواهد داشت که با تولی امام معصوم، انسان از توحید و ولایت حق تعالی حتی برای لحظه‌ای خارج شود. لذا افراد به میزان ظرف وجودی خود و برخورداری از ولایت امام، از توحید برخوردار خواهند بود. در این اثر به بررسی تحلیلی وابستگی عالم به امام عصر علیه السلام با تأکید بر اندیشه آیت‌الله صافی گلپایگانی علیه السلام روی آورده شد که مهم‌ترین نتایج تحقیق عبارت‌اند از: ۱. اصل وجود او صرف نظر از هدایت انسان‌های دیگر، به بقا و ادامه هستی می‌انجامد؛ ۲. چنین فردی به واسطه افاضات معنوی و کمک‌های باطنی هر فردی را طبق استعدادش به کمال مطلوب می‌رساند؛ ۳. عالم در ابعاد مادی و ملکوتی نیازمند به امام است؛ چراکه تنزل فیض از عالم ملکوت به عالم ماده، نیازمند ایجاد ارتباط بین دو عالم است و تنها وجود حجت تام خداوند

می‌تواند این ارتباط را برقرار کند؛ ۴. عالم چه در باب جانشینی فردی و چه اجتماعی نیازمند به وجود امام است؛ چراکه امام به‌عنوان کلمه تامه، وجه و اسم حق تعالی خلیفه کامل خداوند در زمین است و بشر برای دستیابی به این جایگاه نیازمند به اقتدا به او در همه ابعاد خواهد بود و از طرفی دیگر، تحقق جانشینی اجتماعی در دوران ظهور، تنها با طراز شخصیتی امام عصر علیه السلام ممکن خواهد بود.

کتابنامه

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

۱. ابن اثیر، مجدالدین. (۱۴۱۹ق). النهایة (ج ۲). بیروت: دارالصادر.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۸ق). لسان العرب (ج ۴). بیروت: دار احیاء التراث.
۳. زینب، عقيله؛ رحمانی دهنوی، طاهری. (۱۴۰۰). برکات وجودی انسان کامل در نظام هستی. موعودپژوهی، ۳(۵)، صص ۹-۲۹.
۴. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۱). تسنیم (ج ۲، ۳، ۹). قم: اسراء.
۵. جوینی خراسانی، ابراهیم بن محمد. (۱۳۸۱). فرائد السمطين (ج ۱). بیروت: مؤسسه المحمودی للطباعة و النشر.
۶. حسن زاده آملی، حسن. (۱۳۸۱). هزار و یک کلمه. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۷. خمینی، روح الله. (۱۳۸۹). امامت و انسان کامل از دیدگاه امام خمینی علیه السلام. تهران: مرکز حفظ و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۸. ربانی گلپایگانی، علی. (۱۳۸۸). نقش غایی امام در نظام آفرینش. انتظار موعود، ۹(۳۱)، صص ۹-۲۴.
۹. سبزواری، ملاهادی. (۱۳۸۳). اسرار الحکم. قم: مطبوعات دینی.
۱۰. صافی گلپایگانی، لطف الله. (۱۳۹۳). وابستگی جهان به امام زمان علیه السلام. قم: نشر آیت الله صافی گلپایگانی علیه السلام.
۱۱. صدقی الناق، محمد. (۱۳۹۷). حقیقت امامت و فلسفه حضور ابدی امام معصوم از منظر قرآن با تأکید بر آرای علامه طباطبایی. پژوهش های اعتقادی کلامی، ۸(۳۰)، صص ۹۳-۱۱۶.

۱۲. طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۸۸). المیزان (ج ۱۱). قم: جامعه مدرسین.
۱۳. فیض کاشانی، محمد بن مرتضی. (۱۳۷۵). اصول المعارف. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۴. فیض کاشانی، محمد بن مرتضی. (۱۳۷۶). تفسیر الصافی (ج ۲). تهران: مکتبه الاسلامیه.
۱۵. قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۸۰). تفسیر القمی (ج ۱). قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۸۶). کافی (ج ۱). قم: جامعه مدرسین.
۱۷. گرامی، محمدعلی. (۱۳۷۶). جایگاه امام معصوم در نسبت با کل هستی. تهران: موعود.
۱۸. مجلسی، محمدباقر. (۱۳۸۹). بحار الانوار (ج ۱، ۲۳، ۲۷، ۵۱، ۷۹، ۱۰۲). قم: جامعه مدرسین.
۱۹. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۷). اصول فلسفه و روش رئالیسم (ج ۵). تهران: صدرا.
۲۰. مفید، محمد بن محمد. (۱۳۹۰). الامالی. قم: جمکران.
۲۱. ملاصدرا، محمد بن ابراهیم. (۱۳۶۰). الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه. مشهد: مرکز الجامعی للنشر.
۲۲. نعمانی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۸۹). الغیبه. قم: جمکران.

References

- * The Holy Quran
- * Nahj al-Balagha
- 1. Feiz Kashani, M. (1375 AP). *Usul al-Ma'arif*. Qom: Islamic Propagation Office. [In Persian]
- 2. Feiz Kashani, M. (1376 AP). *Tafsir al-Safī* (Vol. 2). Tehran: Maktabah al-Islamiya. [In Persian]
- 3. Gerami, M. A. (1376 AP). *The position of the infallible Imam in relation to the whole of existence*. Tehran: Maw'oud. [In Persian]
- 4. Hassanzadeh Amoli, H. (1381 AP). *One thousand and one words*. Qom: Office of Islamic Propagation. [In Persian]
- 5. Ibn Athir, M. (1419 AH). *Al-Nahaya* (Vol. 2). Beirut: Dar al-Sader. [In Arabic]
- 6. Ibn Manzoor, M. (1418 AH). *Lisan al-Arab* (Vol. 4). Beirut: Dar Ihya al-Toras al-Arabi. [In Arabic]
- 7. Javadi Amoli, A. (1391 AP). *Tasnīm* (Vols. 2, 3, 9). Qom: Isra. [In Persian]
- 8. Joyeeni Khorasani, E. (1381 AH). *Faraid Al-Samatin* (Vol. 1). Beirut: Al-Mahmoudi Institute of Printing and Publishing. [In Arabic]
- 9. Khomeini, R. (1389 AP). *Imamate and the perfect human being from Imam Khomeini's point of view*. Tehran: Center for Preparation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian]
- 10. Koleyni, M. (1386 AP). *Al-Kafi* (Vol. 1). Qom: Society of Teachers. [In Persian]
- 11. Majlesi, M. B. (1389 AP). *Bihar al-Anwar* (Vols. 1, 23, 27, 51, 79, 102). Qom: Society of Teachers. [In Persian]
- 12. Mofid, M. (1390 AP). *Al Amali*. Qom: Jamkaran. [In Persian]
- 13. Motahari, M. (1387 AP). *The principles of philosophy and the method of realism* (Vol. 5). Tehran: Sadra. [In Persian]
- 14. Mulla Sadra, M. (1360 AH). *Al-Shawahid al-Rububiya fi al-Manahij al-Sulukiya*. Mashhad: Al-Markaz al-Jame'ei le al-Nashr. [In Arabic]
- 15. Nomani, M. (1389 AP). *Al-Ghaibah*. Qom: Jamkaran. [In Persian]

16. Qomi, A. (1380 AP). *Tafsir al-Qomi* (Vol. 1). Qom: Islamic Propagation Office. [In Persian]
17. Rabbani Golpayegani, A. (1388 AP). The ultimate role of Imam in the creation system. *Entezar e Maw'oud*, 9(31), pp. 9-24. [In Persian]
18. Sabzevari, Malahadi. (1383 AP). *Secrets of wisdom*. Qom: Religious Press. [In Persian]
19. Safi Golpayegani, L. (1393 AP). *The world dependency on Imam Zaman*. Qom: Publication of Ayatollah Safi Golpayegani. [In Persian]
20. Sedghi al-Anaq, M. (1397 AP). The truth of Imamate and the philosophy of the eternal presence of the Immaculate Imam from the perspective of the Qur'an with an emphasis on the opinions of Allameh Tabatabaei. *Theological Belief Research*, 8(30), pp. 93-116. [In Persian]
21. Tabatabaei, S. M. H. (1388 AP). *Al-Mizan* (Vol. 11). Qom: Society of teachers. [In Persian]
22. Zeinab, A., & Rahmani Dehnavi, T. (1400 AP). Existential blessings of a perfect human being in the system of universe. *Maw'ud studies*, 3(5), pp. 9-29. [In Persian]